



آموزش عالی و رهیافتهای آتی ...

آموزش عالی محور توسعه و موتور محرکه ایجاد حرکت و تحول در جامعه است. چه، آموزش عالی کانون اصلی تربیت نیروی انسانی متخصص و آموزش دیده است که می تواند با برخورداری از ایده ها و اندیشه های نو، هر لحظه در شریانهای حیاتی حرکت رو به رشد جامعه، بالقوه گیهای نوینی را تزریق کند. به همین جهت نظام آموزش عالی - دانشگاهها و مراکز عالی تربیت نیروی انسانی - طراح اصلی و بنیان افکن چهارچوب اساسی برنامه ریزی رشد و پیشرفت جامعه محسوب می شود. از همین رو نیز شایسته توجهاً ویژه از سوی مدیران کلان جامعه برای ایفای نقش و وظایف مقرر است.

پسچیدگیا، درهم آمیختنها و برکنشهای متقابل نظامهای انسانی امروزه جوامع را بیش از پیش در معرض چالشهای اساسی قرار داده است. این چالشها در نظامهای آموزش عالی محسوس تر و زودرس تر است؛ چراکه دانشگاهها به فراخور موقعیت علمی خودشان، در معرض ارتباط و همسپردیری بیشتری نسبت به سایر نظامها هستند و بنابراین تحول در آنها نیز سریعتر به وقوع می پیوندد. بر همین بنیان، نظام آموزشی چنانچه نتواند با اتخاذ سازوکارهای مناسب امکان رودررویی مطلوب با نظامهای دیگر را پیدا کند تا هم خود را متحول سازد و هم زمینه های تحول سازی را در بستر جامعه فراهم آورد، راه به جایی نخواهد برد.

سالهای پایانی قرن بیستم، این چالشها را افزون تر ساخت و این امکان قویاً از سوی صاحب نظران مطرح است که قرن آتی شکل و محتوای این چالشها را به فراخور زمان و مکان تغییر ماهیت خواهد داد. چه، دنیای آتی، جهانی انباشته از اطلاعات خواهد بود و فن آوری اطلاعات، تولید و پردازش آن، خطوط جداسازی بین کشورها را تعیین خواهد کرد و شعار «دانیایی ثروت است» تعیین کننده موقعیت هر کشور در مجموع نظام جهانی خواهد بود.

از مجموعه راهکارهای موجود برای نظام دانشگاهی کشور ما در مواجهه با چنین رویکردی، توسعه روابط علمی آن با نظام جهانی علوم و فنون است که این امر نیاز به تحولات اساسی در ساختار آموزش عالی کشور دارد.

بر این اساس و برای تحقق این نیاز، نظام آموزش عالی کشور باید تغییرات وسیعی در ساختار و وظایف خود به عمل آورد که در مجموع روی آوری بیشتر به استفاده از نیروهای متخصص، بستر سازی برای ایجاد امکانات بهتر، ایجاد شرایط بهینه برای خلق نوآوریها و تعبیه انگیزشهای لازم برای تولید و کشف ایده های نوین ... از جمله این سازوکارها می تواند باشد. به هر طریق نظام آموزش عالی ناگزیر باید با بهره گیری از دیدگاههای کارشناسانه و منطبق بر برنامه ریزی به روز جهانی، برخورد همت گمارد تا زمینه را برای رهیافتهای اساسی برای برون رفت از این مشکلات فراهم آورد. مجموع تنگناهای دانشگاههای ایران در آستانه ورود به قرن آینده را می توان چنین دسته بندی کرد:

۱- نبود برنامه ریزی منسجم و سازماندهی شده در خصوص چگونگی استفاده مطلوب از

دوره های تحصیلات تکمیلی که در مواردی به این دوره ها همچون دوره های کارشناسی نگریسته می شود.

۲- عدم بویایی لازم در مراکز و واحدهای مختلف آموزش عالی در خصوص ایجاد تحول و انگیزش برای کشف و کسب ایده های نو؛

۳- نبود ضوابط مدون و قانونمند برای نظارت و ارزیابی کیفی و دقیق فعالیتهای آموزشی و پژوهشی دانشگاهها؛

۴- عدم دسترسی کافی به پایگاههای اطلاعاتی و مراکز بین المللی؛

۵- کمبودهای ارزی برای تجهیز آزمایشگاههای تحقیقاتی و خرید کتابها و مجلات علمی؛

۶- ...

رهیافتهای اساسی برای برون رفت از تنگناها و مشکلات یادشده آموزش عالی ایران، نیازمند توجهات بنیادی و برنامه ریزی مبتنی بر اطلاعات روز است که آن نیز به نوبه خود، در گرو همت تصمیم گیران و مجریان این برنامه است. رئوس این رهیافتهای می توان در چند مقوله زیر جای داد:

۱- بنیان افکنی و پی ریزی یک تفکر جمعی مشترک در آموزش عالی شامل اندیشه توسعه طلبانه مبتنی بر تغییر انگیزشها و نگرشها در ساختارهای آموزشی و تحقیقاتی دانشگاههای کشور با بهره مندی از دیدگاهها و سازوکارهای نوین؛

۲- پایه ریزی برنامه اساسی بهره گیری صحیح از کارآمدی علمی بالای اعضای هیأت علمی دانشگاهها و مراکز آموزش عالی. در همین خصوص بهره گیری از استادان و اعضای هیأت علمی توانمند برای تقویت دوره های تحصیلات تکمیلی - کارشناسی ارشد و دکتری راهگشاست؛

۳- مدون ساختن برنامه جامع ایجاد ارتباط علمی - عملی بین دانشگاهها و مراکز صنعتی از طریق بهره گیری از دیدگاهها و نقطه نظرهای استادان دانشگاههای درگیر با صنعت و نیز متولیان نزدیک امور صنعتی کشور؛

۴- رفع کامل تنگناهای مالی دوره های تحصیلات تکمیلی همچون خرید کتابها، مجلات علمی، مواد و لوازم آزمایشگاهی و ...

۵- توجه کردن به اموری چون اعزام دانشجویان دوره های دکتری به کنفرانسها و سمینارهای داخلی و خارجی، راه اندازی طرح شایستگی استادان دوره های تحصیلات تکمیلی و ...

۶- استفاده بیشتر از دانشمندان و استادان برجسته در امور مدیریتی و سیاست گذاری؛

۷- برنامه ریزی هماهنگ و مبتنی بر نیازهای روز با بهره گیری از شیوه های نوین و پذیرفته شده در جهت ارتقاء فرهنگی دانشجویان و دانش آموختگان دانشگاهها و مراکز آموزش عالی.